

هوشنگ سیحون متعلق به سومین نسل معماران ایرانی است که تحصیلات خود را در اروپا انجام دادند. در همان سالهای ۲۵۰۷، هنگامیکه سیحون پس از پایان تحصیل در مدرسه بوزار پاریس به ایران آمده و شروع به کار کرد "سبک بین المللی" تا حد زیادی در میان معماران رواج یافته بود. در تهران به خصوص در محله های جدید شمال شهر بیش از پیش الگوهای این سبک بویژه در خانه سازی رعایت می شد.

اما دانشکده هنرهای زیبای تهران از همان ابتدای تاسیس روش آموزش بوزار پاریس را برگزید و سیحون نیز خود فارغ التحصیل همین دانشکده بود.

مدت یک ربع قرن، آنچه که این معمار و معدود همکاران او در ایران ساختند و آموزش دادند، سرمشق و نمونه کار نسل های بعدی معماران دانشگاه دیده، حرفه ای های قدیمی و حتی بساز و بفروشها قرار گرفت. از بناهای مجلل و تشریفاتی که دارای ارزش نمودگاری هستند تا ساختمانهای ساده کوچک در دورترین نقاط کشور هیچیک از این زبان معماری به دور نماندند. در دهه های بعد از جنگ جهانی دوم شیوه های معماری سنتی که عبارت بود از تکرار تعداد معدودی نمونه های اصلی

معمارانه برای بناهای مختلف ، به خصوص در شهرهای بزرگ به کلی کنار گزارده شده بود .

احداث خیابانهای سراسری و شبکه جدولی شهری بافت شهری سنتی را دچار دگرگونی اساسی کرده و قطعات مالکیت منظم و مستطیل شکل به وجود آورد .با این تغییرات ساختی در شکل شهر به دوران معماری درون گرا با حیات مرکزی پایان داده شد و معماران به الگوی تک بناهای جدا از یکدیگر روی آوردند .بدینسان فضای تاریخی جای خود را به محیط جدیدی می داد که روحیه مدرنیزم (نوینگرایی) در آن بیش از پیش دیده می شد .جهت اصلی معماری که در گذشته روی به سمت یک مرکز روحانی داشت جای خود را به معماری داد که به سمت تحول و آینده گرایی داشت . بخشهای مسکونی شبکه راسیونالیست شهری به وجود آوردند . و کاخهای دولتی و بناهای عمومی که نمودار تحکیم قدرت مرکزی و دولت بود بیشتر در فضاها و میادینی جای گرفتند که از ویژگیهای فضاهاى شهری نئوکلاسیک بهره داشت . این دو جنبه معماری که یکی ضرورت ایجاد بناهای ساده و عملی بود و دیگری نیاز به نمایش ارزشها و مظاهر فرهنگی نظام زمانه ، زمینه مناسب خود را در دوگانگی آموزش بوزار در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم یافت .

معرفی کار هوشنگ سیحون فرصتی است مناسب برای آنکه بتوان به جریان پیدایش و تحول معماری نوین در ایران و تاثیر مکاتب مختلف فرهنگی بر این معماری نگریست . بعد از جنگ جهانی دوم اروپا غرق

در مسئله بحران مسکن بود. معماران در این فرصت روی به نظریه های فونکسیونالیستی که در سالهای بین دو جنگ تحول یافته بود آوردند و برای جبران خرابیهای حاصل از جنگ روی به امیدها و آرزوهای مدرنیزم آوردند. شهرها و محله ها به این ترتیب به سرعت ساخته می شد. ایران در آن هنگام آهسته آهسته گام در راه شهرنشینی متعادل می گذاشت و به تدریج بناهای عمومی یعنی بناهای اداری، خدمات عمومی گوناگون و بناهای تشریفاتی جای خود را در شهرها باز می کردند. مسکن جدید نیز از جانب گروهی اجتماعی محدود و روشنفکری ساخته می شد که در آن دوران آداب زندگی فرهنگی را کم و بیش آموخته و میل بر آن داشت که تحول را از خانه خود آغاز نماید. در اروپا درست به عکس قدرت اقتصادی این گروه اجتماعی بعد از جنگ جهانی دوم رو به ضعف نهاده بود و الگوی ویلای وینی Vienneoise سالهای بین دو جنگ جای خود را بیش از پیش به الگوی مسکن اجتماعی و یا به اصطلاح آپارتمان سازی می داد. چنانکه می دانیم الگوهای اخیر توانستند در سی سال بعد از جنگ سیمای شهرهای اروپایی و حومه ها را به کلی زیر و رو کنند.

در ایران و بخصوص در تهران نه تنها گروه نوحواسته روشنفکر و متمکن بلکه آن دسته از شهرنشینان سنتی نیز که با افکار جدید تماس حاصل کرده بودند، متمایل به ترک مرکز مسکونی و تجارتی شهر (بازار و محله های اطراف آن) شدند و به تدریج خانه های خود را در شمال شهر در دامنه کوه البرز بنا نهادند. در اختیار داشتن قطعات

بزرگ زمین و نبودن یک بافت شهری پیشین برای شکل دادن به این قطعات موجب شد که محله های جدید تهران نه به صورت یک استخوان بندی شهری بلکه پیرو الگوهایی شبیه به حومه شهرهای آمریکا شکل بگیرند .

در واقع باید پذیرفت که پس از بوجود آمدن محورهایی مانند سپه ، فردوسی و شاهرضا ، مکانهای شهری موفقی که قادر باشند مرکزیت و خصوصیات ویژه ای برای تهران تعریف کنند به وجود نیامد . مرکز شهر در محدوده ای که بین دو جنگ ایجاد شده بود باقی ماند و بخشهای مسکونی پراکنده در خارج آن شروع به شکل گرفتن کرد . در جریان این مهاجرت خطی به سمت دامنه البرز معمار تهرانی با مسئله تک خانه رو به رو بود ، تک خانه ای که هیچگونه گفتگوی معمارانه با یک بافت شهری موجود را در برابر خود نداشت . در حالیکه معماران فرنگ دیده نسل اول توانسته بودند تیپولوژی مسکن بسیار قوی شهری بوجود آورند و " سبک بین المللی " را با بافت جدولی تهران هماهنگ سازند ، معماری جدید سرچشمه الهام خود را در ویلای منفرد از نوع رایج حومه SUBURBIA در آمریکا یافت . اما در بناهای عمومی که ضرورتاً " در نقاط مرکزی شهر باید ساخته می شد معماران از الگوهای فونکسیونالیست پیروی کردند . استفاده از تکنولوژی ساختمانی جدید ، ایجاد فضاهای چند مصرفی و کاربرد زبان معماری راسیونالیست ، تیپولوژی جدید را برای بناهای عمومی به وجود آورد که به تدریج جای

بناهای عممی پیش از جنگ را که دارای روحیه نئوکلاسیک بودند گرفت

بناهای یادبود سومین گروه ساختمانهای این دوره بود و در حقیقت تنها فرصت کامل برای ابراز یک زبان صرف معمارانه . برای معمارانی که در مدرسه بوزار فرانسه آموزش دیده بودند کمتر این موفقیت پیش می آمد که بتوانند عظمت و ابهت زبان معاری را که در بوزار فرگرفته بودند درساختمانهای خود به کار گیرند . بناهای یادبود این فرصت را برای آنان فراهم آورد . اما باید به خاطر داشت که مونومانتالیزم بوزار با سبک آکادمیک پیش از جنگ که ملهم از جنبشهای معماری آلمانی سالهای اولیه قرن بیستم بود WERKBUND به کلی تفاوت داشت .

بوزار بعد از جنگ نیز به کلی با بوزار قرن نوزدهم که پیرو سبکی تاریخی گرا بود تفاوتهایی پیدا کرده بود . عطف به جوهر تاریخ جای خود را عطف به عناصر شکلی تاریخ گذشته داده بود و در نتیجه عطف به عناصر شکلی متعلق به دورانها و سبکهای متفاوت ، این برداشت آزاد و التقاطی از دورانهای گذشته اصطلاحاً ECLECTISME نامیده می شود . از آنجا که دیگر نظم هندسی بیانگر معنی و محتوی نظم معماری دوره معینی نبود و در عوض به مفاهیم مجردی مانند تناسب ، تقارن و غیره تقلیل یافته بود ، لذا معمار نیز امکان یافته بود که فانتزی های هندسی خود را آزادانه به کار اندازد .

از سوی دیگر کتاب معروف لوکوربوزیه **VERS UNE ARCHITECTURE** تاثیر بسیاری در محافل معماری گذاشته بود و

اهمیت تاریخ ، را به عنوان سرچشمه الهام زبان معماری به کلی ضعیف کرده بود . گرچه تاثیر این کتاب هرگز از درگاه بوزار به درون رخنه نکرد لیک در سست کردن پایه های تاریخ گرای بوزار نقش موثری را ایفاء کرد .

بدین ترتیب زبان مونومنتال جدیدی در معماری بنا های یادبود و آرامگاهها نسج گرفت . ترکیب " (کمپوزسیون) غیر مترقبه نقشه به جای تکرار الگوی تثبیت شده تاریخی ، به کار بردن نشانه های خارجی معماری سنتی ایران و استفاده التقاطی از تکنولوژی های گوناگون ساختمانی خصوصیات اصلی معماری مونومنتال این دوره را تشکیل می دهند .

توجه اصلی معمار معطوف به ابداع شگردی ها و نوآوریها بود . مفهوم " فضا " در این معماری چندان جایی نداشت و در عوض " تاثیرها " EFFETS اهمیت بسیار یافتند . بدین ترتیب نما اهمیت خارق العاده یافت و مهمترین جنبه نمایشی بنا را به خود اختصاص داد .

می بینیم که در این سبک ، تاریخ روابط ماهوی میان شکل ها و حجم های جای خود [را] به تاریخ موتیف ها MOTIFS داده است و معمار تمام کوشش خود را در راه ضبط و ترکیب موتیف های معماری های دوران گذشته به میل و ابتکار شخصی خود به کار برده است .

بدین ترتیب ملاحظه می شود که در دوران خاصی بحرانی که معمار بوزار ناگزیر از تسلیم به نیازهای فوری و حیاطی جامعه و ساده کردن زبان هنری خود است بنای یادبود موضوع استثنایی و جالبی را تشکیل

می دهد که معمار بتواند در آن به طریق اولی قوانین بازی خود را به کار اندازد ، قوانینی که در غیر این صورت اعتبار تاریخی خود را از دست داده بودند .

معماری هوشنگ سیحون نیز از بیشتر این خصوصیات برخوردار است . ویلا ها ، بناهای عمومی شهری و بناهای یادبود سه فرصت جداگانه را برای کاربرد سه زبان مختلف برای او به وجود آوردند .

ویژگی کار این معمار را باید در نحوه استفاده از مصالح دید . او نخستین معمار ایرانی بود که آهن و سیمان را به طور عیان در ساختمان به کار برد . وضوح ساخت و شهامت در بیان بی پرده آن که با بانک سپه و اداره پست آغاز شد در خانه ها نیز شکل خاص خود را یافت . کار سیحون از خانه دکتر بابک که از سبک بین المللی بی تاثیر نیست تا منزل خودش در دروس راه مشخصی را طی کرده است . وضوح ساخت ، یافتن حساسیت و سلیقه شخصی نسبت به ترکیب سنگ و آهن را باید در حقیقت موفق ترین بیان او از لحاظ مصالح دانست . سیحون در تحول بعدی خود و به سبب نگاهی که همواره به معماری ایران داشت ارزشهای دیگری را در کار خود گسترش داد . از آن جمله است استفاده از شکلها و عناصر معماری عامیانه ، استفاده از آجر نه تنها در پوشش بلکه هم چنین به منظورهای نمایشی و تزئینی و توجه به برخی جزئیات . باید معتقد بود که با وجود همه برداشتهای التقاطی و تنوع جویی ها ، کار سیحون همواره از نوع خلوص در کاربرد ماده ، برخوردار بوده است . خانه شمشک حد تکامل او در ترکیب سنگ و چوب است . همچنانکه

ساخت آجری خالص مجموعه آموزشی فرح نمودار پختگی سیحون در
رسیدن به یک نوع کمال و حرفه در زبان آجر است .
در نگاه دقیقتر به تصویر برخی آثار او این جنبه ها از نزدیک ملاحظه
می شوند

آقای هوشنگ سیحون



به راستی جهد در جمع آوری معماران ایرانی که در معماری ایران موثر بوده اند ناقص خواهد ماند اگر چیزی راجع به هوشنگ سیحون ننویسیم. هوشنگ سیحون به حق نیمی از معماری و نقاشی دوره پهلوی است چون او در زمینه معماری و نقاشی در دوره پهلوی هم ساخته و هم پرداخته و هم تربیت کرده به راستی آسمان تاریخ فرهنگ و هنر ایران دگر همچون سیحون را بر تارک خود نخواهد دید. سیحونی که تک مضرابهای خوش معماری مدرن ایران را زده است. معماری مدرنی که با شکوه و با رویایی وصف ناپذیر شروع شد ولی در ادامه راه از شکوه، جلال، حشمت، معرفت و شعور دور شد و بهرفت.

هوشنگ سیحون معماری صاحب سبک با خطوطی دراماتیک و استوره ای در معماری مدرن ایران است هر گز نمی توان خطوط دراماتیک او را در طراح آرامگاه‌های: ابو علی سینا و با با طاهر در همدان و حکیم عمر خیام و کمال الملک را در نیشابور را از یاد برد. و نمی توان از آن خطوط استوره ای در آرامگاه نادر شاه افشار و فردوسی پاکزاد در مشهد یاد نکرد.

او را می توان در زمره معماران پیشروی معماری مدرن ایران دانست که توانستند که به بیانی نوین از تلفیق معماری سنتی و مدرن ایران دست یابند و آثاری به یاد ماندنی برجای بگذارند.

سیحون در سال ۱۲۹۹ شمسی در خانواده‌ای هنر مند در تهران متولد شد . و در سال ۱۳۱۹ در رشته معماری دانشکده هنرهای زیبای تهران که در آن سال بوسیله عده ای از معماران و باستان شناسان فرانسوی و عده‌ای از شاگردان کمال الملک. تازه تاسیس شده بود ثبت نام کرد و مشغول به تحصیل معماری شد.(شایان ذکر است دانشگاه نخبگان ایران .دانشگاه تهران توسط یک معمار فرانسوی طراحی شده و در به وجود آمدن خوشنام ترین و با سابقه ترین کانون علمی ایران .ایرانی نقش چندانی نداشته.) و در سال ۱۳۲۳ سیحون جوان با نمره عالی از دانشکده معماری دانشکده هنرهای زیبا فارغ التحصیل شد.

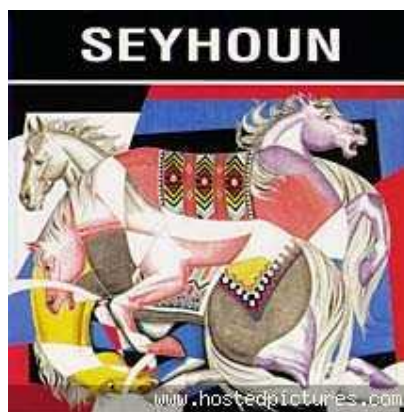
فارغ-التحصیلی سیحون مصادف بود با پایان جنگ جهانی دوم که به گفته خودش، این مقطع تاریخی از چندین جهت یکی از مقاطع سرنوشت-ساز زندگی او به شمار می-رود: اول از این جهت که چون ایران به عنوان پل ارتباطی برای حمل تسلیحات متفقین از خلیج فارس به

روسیه، نقش مهمی در پیروزی متفقین داشت، متفقین پس از پایان جنگ ایران را به عنوان پل پیروزی معرفی و نشان افتخارآمیزی به دولت و راه-آهن ایران اعطا کردند. راه-آهن ایران نیز به مناسبت این افتخار بزرگ تصمیم گرفت در ایستگاه تهران ساختمانی بسازد

که طراحی آن را به مسابقه گذاشت و طرح سیحون جوان برنده و در نهایت با تغییراتی، بر خلاف نظر او، ساخته شد. دوم اینکه انجمن آثار ملی که سال-های جنگ را بصورت مخفی گذرانده بود، با پایان جنگ فعالیت مجدد خود را شروع کرد و به مناسبت جشن هزاره بوعلی سینا تصمیم به ساخت آرامگاهی برای او در همدان گرفت که طراحی این آرامگاه به مسابقه گذاشته شد و سیحون در عنوان جوانی موفق شد تا در این مسابقه هم برنده شود. و بعد از این مسابقه بود که هوشنگ سیحون . شاگرد اول دانشکده هنرهای زیبا . با معرفی ریس وقت دانشکده -آندره گذار- او بعنوان بورسیه به کشور فرانسه رفت. سیحون جوان مدت ۴ سال در فرانسه درس خواند و همزمان با شروع ساخت مقبره بوعلی سینا به وطن بازگشت و در سمت دانشیار دانشکده هنرهای زیبای تهران و ۵ سال بعد به عنوان استاد معماری مشغول تدریس شد. همزمان با تدریس در دانشکده، دفتر کار خود را در سال ۱۳۲۸ تاسیس کرد و در سال ۱۳۱۴ به عنوان سومین رییس دانشکده هنرهای زیبای تهران انتخاب شد. از همین سال فعالیتهای زیادی در دانشکده هنرهای زیبا و از جمله تاسیس سه رشته شهرسازی، تئاتر و موسیقی انجام داد.

و هوشنگ سیحون در سال ۱۹۸۰ ایران را به قصد غزیمت در ونکور کانادا ترک کرد. و تا به امروز ما نتوانستیم از وجود و حضور بزرگ مردی همچون او بهره مند شویم. او در سمینارهای زیادی در اقصی نقاط ایران و جهان شرکت کرده و آثار نقاشی او نیز چه به صورت گروهی و چه بصورت انفرادی به نمایش گذاشته شده. و از سوی کمیته برگزار کننده جشن بزرگ جمعآوری اعانه برای دانشنامه ایرانیکا جایزه ویژه معماری و یک عمر فعالیت فرهنگی و هنری را از آن خود کرده است.

طرح‌های او در کتابی به نام نگاهی به ایران در پاریس در سال ۱۹۷۳ مجموعه دستاورد زندگی حرفه‌ای او (معماری - نقاشی) در کتابی به نام هوشنگ سیحون در کانادا در سال ۱۹۹۹ به چاپ رسیده است.



و حال نگاهی به کارنامه هوشنگ سیحون بیندازیم (البته ممکن است بعضی از آثار او را حقیر نتوانسته جمع آوری کند که از یان بابت پوزش می‌طلبم. خدایش مارا ببخشد). سال‌های ۱۳۲۸ - ۱۳۳۳

منزل و مطب دکتر فرهاد، منزل آقای بابک، ساختمان پست فشار قوی،
ساختمان اداری مرکز برق، منزل سرلشکر فیروز، دفتر هوشنگ سیحون و
خوابگاه‌ها و گاراژهای آتش‌نشانی در تهران و ساختمان آرامگاه بوعلی در
همدان. سال‌های ۱۳۳۲ - ۱۳۳۵

منزل آقای شیبان (دروس)، منزل آقای محمدی (تپه امامیه)، منزل آقای
مقدم (تپه امامیه)، سازمان نقشه‌برداری کل کشور (جاده قدیم کرج)،
آرامگاه نادر (مشهد)،

کارخانه یخ‌سازی و ریسندگی کورس (جاده شهر ری)، کارخانه کانادادرای
(خیابان آزادی)،

پرورشگاه کودکان (خیابان ولیعصر)، سینما آسیا (خیابان جمهوری)

سال‌های ۱۳۳۵ - ۱۳۴۰

سینما سانترال (تهران)، کارخانه کانادادرای (آبادان)، لابراتوار عبیدی و
شرکا (جاده قدیم شمیران)، منزل آقای بشارت (الهییه)، منزل آقای فرازیان
(زرگنده)، منزل دکتر کاظمی (شمیران)، منزل خانم ابتهاج (زعفرانییه)،
مجموعه ویلاهای آقاسی‌پور (پاسداران)، منزل آقای هدایت (دروس)،
مجموعه ویلاهای ایپک چی (حصارک)، کتابخانه مجلس شورای ملی با
همکاری محسن فروغی، کیقباد ظفر بختیار و علی صادق، آرامگاه خیام
(نیشابور)، آرامگاه کمال‌الملک (نیشابور) سال‌های ۱۳۴۰ - ۱۳۴۵

تجدید بنای آرامگاه فردوسی (طوس)، بناهای اطراف آرامگاه فردوسی
(طوس) سال‌های ۱۳۴۵ - ۱۳۵۰

منزل دولت‌آبادی (نیاوران)، ساختمان مرکزی بانک سپه (تهران)، منزل
سیحون (دروس)،

مجتمع آموزشی فرح (جاده آرامگاه)، ضلع جدید بیمارستان میثاقیه
(تهران) از سال ۱۳۵۰ به بعد

بازارچه میرچخماق (یزد)، منزل سیحون (در کلکان در راه شمشک)

